

بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان (با تأکید بر گروه‌های قومی و مذهبی شهرستان سروان)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۱۷	مهدی حشمتی جدید ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹	فرهاد نقره‌ای ^۲
صفحات مقاله: ۱۸۲ - ۱۴۱	محمد حسن زاده ^۳

چکیده:

استان سیستان و بلوچستان از جمله استان‌های مرزی در شرق کشور است که به واسطه بافت خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ژئوپولیتیکی که نشأت گرفته از وجود آسیب‌های محیطی و جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی دو سوی مرز توأم با حمایت و تحریرک بیگانگان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای دانست که عملکرد گروه‌های قومی- مذهبی در این استان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث بروز ناامنی‌هایی در این مناطق می‌شود.

بنابراین، در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی تلاش شده تا عوامل مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی- مذهبی را در شهرستان سروان که یکی از شهرستان‌های مرزی و حساس این استان می‌باشد، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که از میان عوامل مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی- مذهبی در امنیت داخلی شهرستان سروان "علل و عوامل محیطی و جغرافیایی"، دارای میانگین بالاتر و "علل و عوامل فرهنگی- اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی)" دارای میانگین کمتری می‌باشد، و در زمینه میزان تأثیر این علل و عوامل در امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان، "علل و عوامل فرهنگی- اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)"، دارای میانگین بالاتر و "علل و عوامل محیطی و جغرافیایی" دارای میانگین اترگذار کمتری است.

* * * * *

۱ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران

۲ - کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۳ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی) دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

واژگان کلیدی

گروه‌های قومی- مذهبی، قوم بلوچ، امنیت، سیستان و بلوچستان، شهرستان سراوان.

مقدمه

امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و نیازهای اولیه انسان‌ها و جوامع بشری می‌باشد. تأمین امنیت از اهداف اساسی دولت‌ها و حکومت‌ها به‌شمار می‌رود. تأمین امنیت ملی به‌ویژه در ابعاد داخلی به‌نوعی متأثر و وابسته به میزان همگنی و یا ناهمگن بودن ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی و بافت اجتماعی یک جامعه می‌باشد.

بخش عمده‌ای از این عامل را گرایش‌ها و ویژگی‌های قومی، نژادی و به تبع آن مسائل مذهبی تشکیل می‌دهند. تا آنجا که نقش و اهمیت مؤلفه فرهنگ و گرایشات قومی و مذهبی در دوران معاصر به‌ویژه در دوران پس از جنگ سرد که منشأ بسیاری از بحران‌ها و مناقشات و جنگ‌های کشوری و منطقه‌ای بوده است، بر کسی پوشیده نیست.

تمامی کشورها و واحدهای سیاسی بجز تعداد محدودی از آنها دارای تنوع قومی و مذهبی بوده و به‌نوعی متأثر از آن می‌باشند. امروزه این موضوع به ابزارهای مهم و دوسویه، هم تهدیدزا و هم ابزاری برای اعمال نفوذ قدرت و اهرم فشاری بر سایر کشورها برای تأمین منافع و امنیت ملی و به‌ویژه منافع قدرت‌های بزرگ در سایر کشورها بوده است. در کشور ما ایران نیز بنا به علل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همواره بخش عمده‌ای از جمعیت این سرزمین را اقوام مختلف تشکیل داده‌اند. تا آنجا که امروزه شاهد پراکندگی و تراکم اقلیت‌های قومی و به‌ویژه مذهبی در مناطق مرزی هستیم. بنابراین، با توجه به پرنگ بودن مسائل قومی و مذهبی در منطقه شرق کشور به خصوص استان سیستان و بلوچستان، لزوم بررسی و شناخت و کسب اطلاعات لازم در مورد گروه‌های قومی و مذهبی این منطقه از استان سیستان و بلوچستان برای حفظ و تقویت ثبات امنیت و پیشگیری از بحران‌های آتی و مقابله با طرح‌های شوم دشمنان (از طریق شناخت نقاط قوت و ضعف گروه‌های قومی و مذهبی موجود در منطقه) از ضروریات است. با توجه به اهمیت این موضوع به‌خصوص در زمان کنونی با توجه به حساسیت این منطقه از لحاظ امنیتی این تحقیق بر آن است که

عوامل مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی - مذهبی موجود در امنیت شهرستان سراوان و هم‌چنین تأثیرات این عوامل را بر امنیت استان سیستان و بلوچستان با استفاده از نظرات متخصصان مربوطه و با استفاده از روش‌های آماری بررسی نماید و پس از تحلیل این عوامل با توجه وضعیت موجود راهکارهایی را در جهت ثبات بیش‌تر امنیتی پیشنهاد دهد.

بیان مسأله

استان سیستان و بلوچستان یکی از جمله استان‌های مرزی کشور است که به واسطه بافت خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ژئوپولیتیکی که دارد با تحولات عمده‌ای در زمینه بروز بحران‌های ناحیه‌ای (منطقه‌ای) در تاریخ خود روبرو بوده است. عمده این تحولات را می‌توان نشأت گرفته از وجود آسیب‌های محیطی و جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی دو سوی مرز توأم با حمایت و تحریک بیگانگان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانست.

همجواری و داشتن مرادوات قومی - مذهبی مردم نوار مرزی استان سیستان و بلوچستان با استان‌های آن سوی مرز، در کنار حضور و فعالیت گروه‌هایی هم‌چون طالبان، القاعده، نیروهای اشغالگر آمریکایی و... باعث آن شده است که شاهد رویش و پیدایش گروهک‌های شرور و معاندی هم‌چون گروهک جندالله، جیش العدل و... در سطح منطقه باشیم که بخش اعظم ناامنی و ناآرامی را در استان فراهم کرده است.

از سویی دیگر، عوامل تأثیرگذار دیگری هم‌چون فقر اقتصادی و فرهنگی، عدم توسعه یافتگی، احساس تبعیض و وجود تفکرات غلط ضدشیعی و وهابی در میان برخی از جمعیت اهل سنت استان و... مزید بر آن شده تا در مجموع منطقه را در وضعیت نامناسب امنیتی قرار داده و به‌عنوان منطقه‌ای امنیتی با بحران‌های نسبتاً دائمی مطرح سازد. نظام مقدس جمهوری اسلامی از بدو شکل‌گیری تاکنون همواره سعی کرده است با اقدامات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و اجرای برنامه‌های روشنفکرانه تا حدود زیادی امنیت، آرامش و توسعه داخلی را به این استان برگرداند. تا آنجا که در این راه هم صدمات جانی و مالی زیادی را تحمل و هر ساله تعداد زیادی از نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی، دولتی و حتی مردمی را در این راه فدا کرده است.

امروزه با وجود همه این هزینه‌ها هنوز هم شاهد ناامنی‌های عدیده‌ای در سطح استان به واسطه آثار بجای مانده از مسائل و مشکلات گذشته و کم‌کاری‌های امروزه دستگاه‌های اجرایی و محلی در کنار موج سواری گروهک‌های معاند و دشمنان نظام که از اختلافات قومی و مذهبی (شیعیان و اهل سنت) این منطقه سو استفاده می‌کنند، هستیم که هر از چندگاهی ثبات و آرامش منطقه را به هم زده و ناامنی‌هایی را توسط گروهک‌های معاند در سطح استان در قالب اقدامات خرابکارانه (آدم‌ربایی، ترور، بمب‌گذاری و...) به وجود آورده است. با توجه به مسائل و مشکلات بررسی موشکافانه و دقیق در این حیطه از ضروریات است که این تحقیق در پی آن است تا حدودی در راستای حل این مشکل گام بردارد.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

الف) مهم‌ترین علل و عوامل مؤثر در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی (قوم بلوچ سنی) در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند و تأثیر آنها در امنیت استان سیستان و بلوچستان نیز به چه میزان است؟

ب) چه راهکاره‌هایی در برقراری امنیت داخلی استان با توجه به تأثیر گروه‌های قومی و مذهبی وجود دارد؟

سؤالات فرعی

۱) مهم‌ترین علل و عوامل محیطی (جغرافیایی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند و تأثیر آنها بر امنیت این شهرستان (سراوان) و استان (سیستان و بلوچستان) به چه میزان است؟

۲) مهم‌ترین علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند و تأثیر آنها در امنیت این شهرستان و استان سیستان و بلوچستان به چه میزان است؟

۳) مهم‌ترین علل و عوامل فرهنگی-اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند؟ و تأثیر آنها بر امنیت این شهرستان و استان سیستان و بلوچستان به چه میزان است؟

۴) مهم‌ترین عوامل فرهنگی-اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند و تأثیر آنها بر امنیت این شهرستان و استان به چه میزان است؟

متغیرهای تحقیق

الف) متغیر وابسته

- امنیت داخلی در شهرستان سراوان و استان سیستان و بلوچستان

ب) متغیر مستقل

- عوامل مؤثر در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی (قوم بلوچ)

مفاهیم، اصطلاحات و مبانی نظری تحقیق

امفاهیم و اصطلاحات

قوم

قوم در لغت به معنای گروه مردم، جماعتی از مردم، خویشاوندان می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۵: ۹۸۴) ویکتور کوزلف، قوم‌شناس شهیر می‌گوید: «قوم، یک سازمان اجتماعی شکل یافته‌ای است که در پهنه یک سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و اجتماعی برقرار کرده‌اند، تحت پوشش قرار می‌دهد.» (دژم خوی، ۱۳۸۰: ۱۵)

گروه قومی

گروه قومی به مجموعه‌ای از درون یک جامعه بزرگ‌تر اطلاق می‌شود که دارای نیاکان مشترک واقعی یا فرضی، خاطراتی از یک گذشته مشترک و فرهنگی متمرکز بر یک یا چند عنصر نمادین تعریف شده به‌عنوان مظهر مردم بود، نشان می‌باشد. (اصغری فرد، بی تا، ص ۸۰)

امنیت

امنیت به معنای در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی آمده است. ریشه فارسی آن کلمه «امن» به معنای بی‌بیم شدن، بی‌ترسی، اطمینان، آسایش، آرامش قلب، و ضدخوف آمده است. (عمید، ۱۳۷۵: ۲۳۴)

امنیت داخلی

امنیت در بعد داخلی، محافظت کشور در برابر رخدادهایی چون جنگ‌های داخلی، هرج و مرج، افزایش خشونت، بی‌ثباتی سیاسی را دربر می‌گیرد. (احمدی‌پور، ۱۳۷۶: ۶۵)

به عبارت دیگر، امنیت داخلی به برقراری نظم و آرامش و ایمنی در داخل سرزمین و حوزه حاکمیت یک کشور مربوط می‌شود و در تعریف آن گفته‌اند: «حالتی که طی آن شهروندان و حکومت برای برخورداری از کلیه حقوق قانونی، شرعی و عرفی خود با مانعی روبرو نشوند.» (کوشکی، ۱۳۷۸: ۲۷۸) «حالتی که به موجب آن جامعه‌ای فارغ از فشارها و نابسامانی‌های داخلی بوده و در آن تفوق نظم، قانون و یکپارچگی توأم با مشارکت مردمی در جهت تأمین ارزش‌های بنیادی، رفاه اجتماعی و امنیت به چشم می‌خورد.» (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۸۷: ۳۶)

نظریه‌های ارائه‌شده:

در این راستا، نظریات مختلفی وجود دارد که هر کدام از آنها علت اختلافات قومی و قومیت‌گرایی و مسائل و مشکلات در خصوص آن را ناشی از دلایلی می‌دانند. این تحقیق بر آن است تا با معرفی این نظریات پایه‌ای و استفاده از آنها علت اختلافات قومی - مذهبی را به صورت علمی‌تر و اصولی‌تر بررسی نماید. بنابراین، با توجه به این مسأله در ادامه به تعدادی از این نظریات اشاره می‌گردد:

نظریه‌ی محرومیت نسبی

به نظر گر «محرومیت نسبی به صورت احساس بازیگران بر وجود داشتن اختلاف میان انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود.» (گر، ۱۹۶۷: ۲۵۲) به عقیده‌ی وی پیش شرط لازم برای ستیز خشونت بار مدنی، وجود محرومیت نسبی است. بنابراین، وقوع خشونت مدنی نشانه‌ی احتمال وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشم‌گیری از افراد اجتماع است، و نکته ملازم با حکم اخیر این‌که هرچه محرومیت نسبی شدیدتر باشد، احتمال و شدت خشونت مدنی بیش‌تر خواهد بود. (تقوی نسب، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

نظریه‌ی «گوبوگلو»

یکی از رویکردهای نظری که به تحلیل و تبیین درگیری‌های قومی پرداخته و در میان اندیشمندان روسی و اروپایی از جایگاه بالایی برخوردار است، نظریه‌ی گوبوگلو می‌باشد. بر اساس این نظریه، خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی- اجتماعی قابل بررسی است. وی بیش‌ترین توجه خود را به عناصر و عوامل قومی در دسته‌بندی اجتماعی، تقسیمات کاری و طبقه‌بندی اجتماعی معطوف کرده است. این دیدگاه، پدیده‌ی غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی توسط اعضای یک گروه قومی و نژادی را به‌عنوان کشف عمده خود در نظر می‌گیرد که این تفاوت‌های اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قوی ایجاد می‌کند. (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

نظریه‌ی استعمار داخلی «هشتر»

«این رویکرد که عمدتاً توسط مایکل هشتر (هشتر) به طور مبسوط شرح داده شده، تأکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه‌ی وخیم شدن نابرابری‌های منطقه‌ای بین یک هسته متمایز فرهنگی و پیرامون آن تقویت شود. نگرانی مستولی نخبگان مرکز، حفظ «وابستگی ابزاری» جمعیت پیرامون است. در نتیجه، اعضای گروه‌های

پیرامون به دنبال استفاده از نشانه‌های فرهنگی به‌عنوان اهرم‌هایی برای پایان دادن یا غیرموجه نمودن ترتیبات غالب هستند.» (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۸۲)

نظریه‌ی عوامل ذهنی - عینی «راتچیلد» و «شاپفلین»

براساس این نظریه، عوامل ذهنی و عینی بر مخفی شدن نهضت‌های قومی اثر گذاشته، ضمن تشدید خواست‌های قابل مذاکره و غیرقابل مذاکره، ناخشنودی و نارضایتی قومی را افزایش می‌دهند و شرایطی را فراهم می‌آورند که منجر به شکل‌گیری سازمان سیاسی قومی شده و به منبعی برای تسریع در بازسازی هویت قومی، وحدت و همبستگی قومی، خواست مشارکت عمومی و اصالت فرهنگی از جمله بازگشت به ریشه‌های نمادین، اسطوره‌های گذشته و یادبودهای تاریخی تبدیل می‌گردد. (همان: ۱۴۲)

نظریه‌ی «رقابت بر سر منابع»

این نظریه معتقد است که یکپارچه کردن سیاسی گروه‌های قومی در درون یک دولت - ملت زمینه‌ی مشخصی را به‌وجود می‌آورد که در آن رقابت برای منابع - به‌ویژه برای مشاغل دولتی - به انگیزه‌ی تضاد بین قومی تبدیل می‌شود. هنگامی که منابع رقابتی واضحی وجود دارند که با یک هویت قومی مرتبط باشد، هویت قومی به‌عنوان مبنایی برای کنش جمعی به‌وجود آمده و حفظ می‌شود. این رقابت بین قومی، بسیج قومی را رواج داده و به شکل‌گیری سازمان‌های قومی و تقویت هویت‌های قومی منجر می‌شود. (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۸۰)

مکتب یا نظریه‌ی امنیتی کپنهاک

«مکتب کپنهاک» اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و نقطه نظرات بری بوزان، آل ویور، دو ویلد و برخی دیگر از صاحب‌نظران امنیتی به کار برده است. این مکتب جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی تلاش نموده است. بوزان و آل ویور هر دو نو واقع‌گرا هستند. بنابراین، شاهد تأثیر اندیشه‌های نواقع‌گرایانه در تحلیل‌های آنها هستیم. نظریه امنیت در مکتب کپنهاک خصوصاً آرای بوزان بر شاخصه‌های ذیل استوار است:

(۱) بینادهنی بودن امنیت: بوزان امنیت را موضوعی بینادهنی تعریف می‌نماید و بیان می‌کند که مسأله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن ارجاع دهند و به برخی پدیده‌ها به‌عنوان تهدید نگاه کنند. از اصل بینادهنی بودن امنیت دو نتیجه می‌توان گرفت: نخست، آنکه آستانه امنیتی دولت-ملت‌ها متفاوت از یکدیگر خواهد بود؛ و دوم، اینکه دیگران چگونه در خصوص امنیتی ساختن یک موضوع توسط ما می‌اندیشند و آن را ارزیابی می‌نمایند، مهم است. چیزی که در یک جامعه مشخص ممکن است امنیتی ساختن مشروع و طبیعی به نظر برسد، برای آنهایی که خارج از آن جامعه هستند، امکان دارد مضحک و حتی نوعی بیماری محسوب شود.

(۲) دولت‌محوری در مرجع امنیت: بوزان به طرح هر دو دیدگاه فردمحوری به‌عنوان مرجع امنیت و دولت‌محوری به‌عنوان مرجع امنیت را مطرح می‌کند. فردمحوری به‌عنوان مرجع امنیت در مکاتب انتقادی و آرای کن بوث مطرح است. بوث با الهام از کانت که بیان داشته بود باید با مردمان به‌عنوان هدف رفتار کرد، نه وسیله‌ای در جهت رسیدن به اهداف، اظهار می‌دارد که دولت‌ها وسیله تحقق امنیت هستند، نه هدف امنیت. وی در نقد سنت رئالیستی امنیت معتقد است که برای بازگرداندن امنیت به جایگاه واقعی خود باید فرد به‌عنوان مرجع امنیت در نظر گرفته شود، نه دولت.

بوزان در نقد فردمحوری در مرجع امنیت به موارد ذیل اشاره می‌کند:

(۱) امنیت افراد به سادگی قابل تعریف نیست. عواملی مانند حیات، ثروت، سلامتی و موقعیت اجتماعی به عنوان شاخصه‌های امنیت فردی بسیار پیچیده هستند.

(۲) معیار قابل قبولی برای ارزیابی امنیت در سطح فردی وجود ندارد. به عنوان مثال اگر چه افراد مرفه قادرند خود را در برابر قحطی و فقر نجات دهند ولی در برخی موارد دیگر با فقرا در یک ردیف قرار دارند مانند فجایع طبیعی و در برخی موارد حتی از فقرا نیز آسیب پذیرترند مثل سوانح هوایی.

۳) اگر چه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیلاست اما اصولاً تابع ساختارهای سیاسی عالی تر دولتی و بین المللی می‌باشد.

در نتیجه، مکتب کپنهاگ با رد فردمحوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر روی دولت‌ها به‌عنوان محور امنیت قرار می‌دهد و معتقد است تاکنون در نظام بین‌الملل دولت‌ها قوی‌ترین بازیگران بوده و هستند. امنیت موسع در برابر مضیق مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بوده است. بوزان با نگاه تک بعدی و تنگ به امنیت مخالف است و امنیت تک بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد. مکتب کپنهاگ بر اساس مفهوم تهدید وجودی، هدف مرجع امنیت در بخش‌های پنج‌گانه موردنظر خود را توضیح می‌دهد:

- در بعد نظامی، هدف مرجع دولت است. آستانه امنیتی نیز به‌کارگیری زور یا تهدید به استفاده از زور است که می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تحت‌الشعاع قرار دهد.
- در بعد سیاسی، هدف مرجع حاکمیت و نهادهایی که نمود آن هستند، می‌باشد. تهدید وجودی در بخش سیاسی می‌تواند فاعل محور و یا ساختار محور باشد. به‌عنوان مثال، عدم مشروعیت سیاسی رژیم‌های غیرمردم‌سالار یک تهدید وجودی ساختار محور برای رژیم‌های پادشاهی محسوب می‌شود.
- در بخش اقتصادی، تشخیص اهداف مرجع بسیار دشوار است. اغلب اوقات تهدیدات اقتصادی در بازار رقابت‌آمیز جزو امور عادی هستند و به راحتی نمی‌توان آنها را در چارچوب امنیتی قرار داد. دو فاکتور اساسی می‌تواند تهدیدات بخش اقتصادی را به تهدیدات وجودی تبدیل کند: اول آنکه این تهدیدات بقای جمعیت کشور را مورد تهدید قرار دهد و دوم آنکه تأثیر بر بخش نظامی داشته باشند.
- در بخش اجتماعی مرجع امنیت «هویت» است. دو عامل اساسی در تبدیل مسائل هویتی به تهدید وجودی و امنیتی شدن نقش دارند: اول، مسأله «تصورات» صاحبان

هویت است و اینکه حساسیت آنها به چه باشد. به طور مثال، ممکن است برای برخی از هویت‌ها، مهاجرت و اختلاط نژادی بسیار مهم و تحریک‌پذیر باشد تا جایی که آن را به یک موضوع امنیتی تبدیل کند. دوم، آنکه تهدیدات اجتماعی منجر به دامن زدن به کشمکش و منازعه میان دولت‌ها گردد.

- بخش زیست‌محیطی؛ هدف مرجع مشخصی در این بخش از سوی مکتب کپنهاک معرفی نشده است. صاحب‌نظران این مکتب در جایی تأکید می‌نمایند که تهدیدات زیست‌محیطی بزرگ با اشکال وسیع در چارچوب امنیت ملی قرار می‌گیرند. در جایی دیگر به علت گستره جهانی تهدیدات زیست‌محیطی آن را خارج از چارچوب منطق امنیت می‌دانند. (همان)

مکتب کپنهاک، معتقد است که امنیت ملی دارای پنج بعد سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و محیط‌زیست است. باری بوزان معتقد است که امنیت کشورها پدیده‌ای در قالب یکی از پنج بعد فوق هستند که در درون کشورهای در حال توسعه به تدریج به فرایندی تبدیل می‌شود و نهایتاً امنیت ملی را متأثر می‌سازد. این دیدگاه معتقد است که برخلاف کشورهای توسعه یافته که تهدیدات امنیت ملی آن عمدتاً ریشه خارجی دارد، در کشورهای در حال توسعه، پدیده‌هایی، مانند فقر، محرومیت، مسائل قومی، تجزیه‌طلبی، مسائل سیاسی، مانند عدم وفاق نخبگان، اختلاف فرهنگی یا پدیده‌های نظامی مانند کودتا به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی امنیت ملی قلمداد می‌شوند. به‌عنوان مثال، در یک کشور در حال توسعه، پدیده‌ای مانند تجزیه‌طلبی قومی، این پتانسیل را دارد که با تلفیق تهدید خارجی زمینه‌ی فروپاشی یا اضمحلال آن کشور را فراهم کند. (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲۳)

تنوع گروه‌های قومی جامعه ایران

در خصوص تنوع گروه‌های قومی دیدگاهی معتقد است که جامعه ایران، جامعه‌ای چند قومی و در برخی موارد چند ملیتی است و با تأثیرپذیری از برخی کشورهای دیگر بدون در

نظر گرفتن ملاحظات خاص فرهنگی و تاریخی جامعه ایران، گروه‌های قومی جامعه ایران را از یکدیگر جدا و متمایز می‌انگارند.

دیدگاه دیگر معتقد است که جامعه ایران دارای تکثر و تنوع فرهنگی و زبانی است، لکن وجود گروه‌های قومی مختلف را در جامعه منکر می‌شوند. این گروه بیش از همگرایی اجتماعی و فرهنگی به تمامیت ارضی ایران می‌اندیشند. چنین نگرش‌هایی موجب مسکوت ماندن مباحث مربوط به تنوع گروه‌های قومی در جامعه ایران می‌شود.

دیدگاه دیگری با تأکید بر تکثر قومی در جامعه ایران، با توجه به فرهنگ تمدن و پیشینه تاریخی گروه‌های قومی مختلف ایرانی، آنها را ساکنان اولیه ایران و از عناصر تشکیل‌دهنده تمدن ایرانی معرفی می‌کنند و در عین حال، تمایزات فرهنگی، زبانی را در میان گروه‌های قومی از نظر دور نمی‌دارند. این دیدگاه حفظ تمامیت ارضی را منوط به همگرایی ملی گروه‌های قومی ایرانی بر پایه پذیرش موجودیت فرهنگی آنها می‌داند. (مختارزاده، مهر ۱۳۸۳، ۱۵)

بسیاری از متخصصان، گروه‌های قومی ایران را به سه دسته تقسیم می‌کنند:

- گروه آریایی‌ها شامل: افغان‌ها، هزاره‌ها، بلوچ، بختیاری‌ها، فارس‌ها، اصفهانی‌ها، کرمانی‌ها، یزدی‌ها، گیلانی‌ها، مازندرانی، تالشی‌ها، کردها و لرها.
- ایرانیان غیرآریایی شامل: ترک‌ها، قشقایی‌ها، ترکمن‌ها، مغول‌ها، ارمنی‌ها، عرب‌ها، یهودی‌ها و آشوری‌ها.
- سایر گروه‌ها...

در واقع، ایران دارای گویش‌ها، فرهنگ‌های قومی، خرده فرهنگ‌ها، قبایل، عشایر، طوایف و نژادهای مختلف می‌باشد.

تهدیدات ناشی از تنوع و تعدد قومی - منازعات قومی

تعدد و تنوع قومی در ایران به گونه‌ای است که می‌توان جامعه پلی اتنیک یا کثیرالاقوام را بر آن اطلاق نمود. هرچند این اقوام در طول تاریخ در نضج و شکوفایی تمدن ایرانی سهم

بوده‌اند و در مقاطع تاریخی از کیان مملکت و تمامیت آن دفاع کرده‌اند؛ اما به‌رغم همزیستی و همدلی و ایثارها، در مقاطعی از تاریخ کشور، این همزیستی به چالش کشیده شده و مناسبات بین دولت و اقوام، تبدیل به منازعه و کشمکش گردیده است؛ موضوعی که با نگاه به تاریخ یک‌صد ساله اخیر شواهد متعددی می‌توان بر آن یافت.

گوناگونی و تنوع قومی در ایران موجب گردیده که حفظ انسجام ملی به یک موضوع مهم برای حکومت‌های مرکزی تبدیل گردد. تا جایی که رژیم‌های مستبدی هم‌چون حکومت پهلوی برای تثبیت حاکمیت خود در اندیشه حذف تمایزات فرهنگی اقوام و یکسان‌سازی فرهنگی و طی فرایند ملت‌سازی از طریق تأکید بر پوشش و گویش واحد در سرتاسر فضای سرزمینی بوده‌اند.

در بررسی علل و عوامل وحدت یا تفرق مردم ایران شناخت نیروهای همگرایی و واگرایی می‌تواند مؤثر باشد. برخی از این عوامل و نیروها به قرار زیر هستند:

الف) نیروهای واگرایی

- ترکیب نامتوازن و نامتجانس ملی: استقرار اقلیت‌های در بخش حاشیه‌ای کشور و مجاورت دنباله‌های فرامرزی برخوردار از دولت مستقل ملی، ضریب آسیب‌پذیری دولت ملی و سرزمین ایران را بالا برده است؛
- ساختار توپوگرافیک ایران: ساختار توپوگرافیک غیرمنسجم و گسیخته، موجبات شکل‌دهی و تقویت خرده فرهنگ‌ها را فراهم آورده است؛
- عدم توازن در مشارکت ملی اقلیت‌ها؛
- سیستم ارتباطی نامتناسب؛
- بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی: ایران دارای ساختار فضایی مرکز- پیرامونی هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است. در سطح کلان ملی، بخش مرکزی در مقایسه با بخش پیرامونی از توسعه‌یافتگی بیش‌تر و درجه دسترسی بالاتر به مزایای توسعه و منابع ملی برخوردار است؛

- عدم انطباق مرزهای قومی با مرزهای سیاسی: در ایران مرزهای قومی با مرزهای سیاسی منطبق نیستند. تنوع قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی در ایران و پراکنش آن در استان‌های مختلف، به‌ویژه در استان‌های مرزی بستری را برای شکل‌گیری مناطق مرکز گریز فراهم نموده است که شناسایی این مناطق و پهنه‌های جغرافیایی عملکرد آنها می‌تواند از آسیب‌پذیری امنیت عمومی در بستر تقسیمات کشوری بکاهد. (حسین‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۷۲)

ب) نیروهای همگرایی

- اشتراک در لایه‌های مختلف خصیصه‌های بخش مرکزی؛
- ریشه تاریخی مشترک؛
- فرهنگ مشترک ملی؛
- دین و مذهب؛
- مفاخر ملی؛
- آرمان سیاسی مشترک؛
- نمادهای ملی؛
- اقتدار حکومت مرکزی؛
- تهدیدات خارجی (که تمامیت ارضی و امنیت ملی را هدف قرار دهد، می‌تواند با ایجاد جبهه واحد به همگرایی ملی کمک نماید.) (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱)

ج) فرصت‌های ناشی از تنوع قومی

تنوع و تکثر قومی یا به عبارتی تنوع فرهنگی ملت ایران فرصت بزرگی است که فرا روی نظام اسلامی قرار گرفته و ایران اسلامی با اتکای به این منبع عظیم و سرشار است که توانایی بقای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در برابر جریان جهانی‌سازی فرهنگی را دارد. از این‌رو، اتخاذ رهیافت‌های مبتنی بر تکثر فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان می‌تواند بهترین و بیش‌ترین بهره را عاید کشور نماید و در شکل‌دهی هویت ملی مؤثر واقع شود.

د) بستر مداخلات قومی در ایران

بسترهای وقوع مداخلات قومی در ایران و بهره‌گیری در جهت و گسترش شکاف‌های اقوام کشور عبارتند از:

- قرار گرفتن در بین ده کشور با کثرت قومیت در دنیا با وجود پنجاه زبان و لهجه و شش قومیت رسمی فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن؛
- گسترش قومیت غیرفارس در ده استان عمدتاً مرزی کشور؛
- ناهمگونی و چند فرهنگی بودن جامعه ایرانی؛
- استفاده ابزاری نخبگان از اقوام در سال‌های اخیر به منظور تقویت پایگاه منطقه‌ای خود، با طرح و افزایش مطالبات قومی؛
- افزایش حساسیت مناطق قومیتی مرزی پس از تحولات سیاسی سال‌های اخیر در منطقه، از جمله تغییر در رژیم‌های افغانستان و عراق با نگاه به تأثیرات قومیت‌ها در معادلات سیاسی؛
- دارا بودن مرزهای مشترک وسیع با کشورهای همسایه و حضور اقوام همگون در آن سوی مرزها؛
- قرار گرفتن فقیرترین و آسیب‌پذیرترین اقشار کشور در مناطق مرزی؛
- توسعه نامیزان مناطق مختلف به‌ویژه مناطق مرزی در اثر برنامه‌ریزی نامناسب و بعضاً ناعادلانه توزیع امکانات، منابع و فرصت‌ها در مناطق مختلف کشور؛
- احساس عدم مشارکت اقوام در مدیریت‌های کلان جامعه در مناطق مختلف کشور.
(پوررحمان، ۱۳۸۸: ۲۱۶-۱۷)

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد پیمایشی (پرسشنامه‌ای) است که جامعه آماری در این تحقیق ۳۰۰ نفر از نخبگان قومی، مذهبی، علمی و فرهنگی دستگاه‌های اجرایی، امنیتی و انتظامی شهرستان سراوان می‌باشد که در نهایت با

استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۱۱۴ نفر برآورد گردیده است، ضمن اینکه از روش تصادفی ساده جهت نمونه‌گیری استفاده شده است.

روایی و پایایی پرسشنامه نیز به ترتیب با نظر نخبگان و متخصصان و با استفاده از روش الفای کرونباخ تأیید شد. ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمد و نشان داد که تمامی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد تحقیق از سازگاری درونی بالا و قابل قبولی برخوردار هستند. سپس بعد جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در جهت رسیدن به اهداف تحقیق آزمون‌های آماری بر روی آنها انجام شد و سپس نتایج آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هم‌چنین قابل ذکر است که این پژوهش از نظر نوع هدف کاربردی بوده و نتایج آن می‌تواند تصویر روشنی را جهت بررسی و برنامه‌ریزی این منطقه در جهت بالا بردن ضریب امنیت ایجاد نماید.

منطقه مورد مطالعه و ویژگی‌های آن

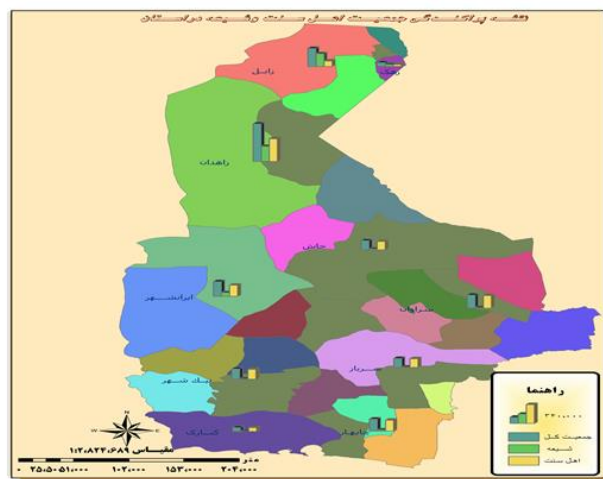
استان سیستان و بلوچستان: این استان در جنوب شرق ایران واقع شده و طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۴۰۵۷۴۲ نفر جمعیت دارد. این استان از لحاظ قومی و مذهبی به دو قوم کلی فارس و بلوچ و از لحاظ مذهبی هم به دو مذهب شیعه و سنی (شاخه حنفی) تقسیم می‌شود. جمعیت مسلمان این استان در سال ۱۳۸۵، ۲۳۸۳۳۹۶ نفر و بقیه اقلیت‌هایی از مسیحی، زرتشتی و کلیمی و غیره تشکیل یافته‌اند. حدود ۱/۶۴۶/۹۵ نفر از جمعیت این استان را اهل سنت تشکیل می‌دهند و به این لحاظ دومین استان سنی‌نشین کشور محسوب و دارای بیش‌ترین درصد جمعیت اهل سنت می‌باشد. ضمن اینکه به دلیل دارا بودن مرزهای طولانی با کشورهای افغانستان و پاکستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در سطح این استان به استثنای شهرستان زابل که اکثریت غالب جمعیت دارای مذهب شیعه بوده، سایر شهرستان‌ها دارای جمعیتی بالغ بر ۶۰ تا ۹۵ درصد اهل سنت می‌باشند. شیعیان بیش‌تر در قسمت شمالی استان در حوزه شهرستان‌های زابل، زهک و زاهدان می‌باشند.

بخشی از آنها نیز در بخش‌های بزمان، دلگان و شهرستان ایرانشهر پراکنده می‌باشند. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۵، ۴ تا ۴۰)

روحانیون شیعه مذهب بیش‌تر در سیستان و مرکز استان و مولوی‌های سنی مذهب در بلوچستان و بعضی از نقاط مناطق سیستان مستقر هستند. مولوی‌های سنی و روحانیون شیعه تا اوایل انقلاب به مسائل اجتماعی و شرعی می‌پرداختند، ولی با توجه به نفوذ قابل توجهی که بین مردم و بیش‌تر روستائیان و طوایف اهل سنت پیدا کردند، امورات سیاسی و فعالیت‌های سیاسی را به فعالیت‌های خود افزوده‌اند، به‌ویژه مولوی‌هایی که تحصیلات خود را در پاکستان و عربستان و یا هند به اتمام رسانده‌اند.

ملاها دروس مقدماتی را نزد مولوی‌ها می‌آموزند و با مرکزیت مسجد مکی در سطح استان به تبلیغات دینی می‌پردازند. مولوی‌ها پس از انقلاب اسلامی هم‌زمان با تضعیف سرداران طوایف رشد سیاسی فراوانی نمودند، به‌طوری که حتی امروزه به تبلیغات خارج از استان نیز مبادرت می‌ورزند و در جلسات جماعت تبلیغی در کشور پاکستان نیز شرکت می‌کنند.



شکل شماره ۱: نقشه پراکنده‌گی جمعیت اهل سنت و شیعه در استان سیستان و بلوچستان

(منبع: کتابخانه سپاه، نزسا، ۱۳۸۸)

در سطح استان دو قوم عمده وجود دارند که عبارتند از: فارس و بلوچ: قوم بلوچ که در جنوب و مرکز استان پراکنده‌اند، شامل شهرستان‌های خاش، سراوان، ایرانشهر، زاهدان، نیک‌شهر، چابهار می‌باشند. این قوم سنی مذهب (شاخه حنفی) بوده و به زبان بلوچی صحبت می‌کنند. قوم فارس: این قوم در شمال استان پراکنده هستند و دارای مذهب شیعه می‌باشند و تمرکز آنها در سطح استان بیش‌تر در شهرستان‌های زابل و زاهدان می‌باشد و گویش آنها سیستانی و فارسی است. (محرابی، ۱۳۷۵، ۱۰)

بر اساس آمار در بیش از ۲۵۶ طایفه گوناگون در استان گسترش یافته‌اند که بسیاری از آنها با آداب و رسوم خاص دارای سازمان اجتماعی و هرم قدرت مشخصی می‌باشند و با پیروی از یکسری رفتارهای درون‌گروهی و برون‌گروهی در بسیاری از موارد در تقابل با قوانین قضایی و مصالح ملی نظام قرار می‌گیرند که در نتیجه موجب شکل‌گیری بسترهای ناامنی در استان می‌شود. از تعداد طوایف مذکور نزدیک به ۱۲۰ طایفه در منطقه سیستان (شهرستان‌های زابل، زهک، هیرمند و بخش‌هایی از زاهدان) و بیش از ۱۳۶ طایفه در منطقه بلوچستان در شهرستان‌های زاهدان، خاش، سراوان، ایرانشهر، سوران، زابلی، دلگان، نیک‌شهر، کنارک، سرباز و چابهار پراکنده می‌باشند. (کریمی‌پور، ۱۳۷۱، ۱۶ تا ۱۰)



شکل شماره‌ی ۲: نقشه پراکندگی طوایف استان (منبع: کتابخانه سپاه، نرسا، ۱۳۸۸)

قوم بلوچ: مردمانی هستند که از دیرباز در جنوب شرق کشور سکونت داشته، دارای مذهب اهل سنت بوده و شهرستان‌های زاهدان، خاش، سراوان، ایرانشهر، سرباز و نیک‌شهر در جنوب استان سیستان و بلوچستان جایگاه اصلی آنهاست. اصطلاح بلوچ از زبان خود آنها از حرف اول کلمات بهادر (شیرمرد)، لایق، وفادار و چابک تشکیل شده است که تمام این صفات از خصوصیات بارز قوم بلوچ است و از نظر لغوی به معنای تاج خروس نیز می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۵: ۳۱۶)

قوم بلوچ در ناحیه‌ای جغرافیایی مشتمل بر جنوب شرقی ایران، جنوب غربی افغانستان و شرق پاکستان مستقر است. بلوچستان ایران، منطقه‌ای از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه‌ی بلوچ‌نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد. سرزمین بلوچستان با مساحتی حدود ۱۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شرقی ایران واقع است. برای بیان ملموس‌تر وسعت بلوچستان ایران، باید گفت که فاصله‌ی شهر زاهدان در شمال آن تا چابهار در جنوب آن، ۷۰۵ کیلومتر و عرض آن از کوهک تا افق‌های شرقی جازموریان ۵۹۰ کیلومتر است. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱، ۱۷۳)

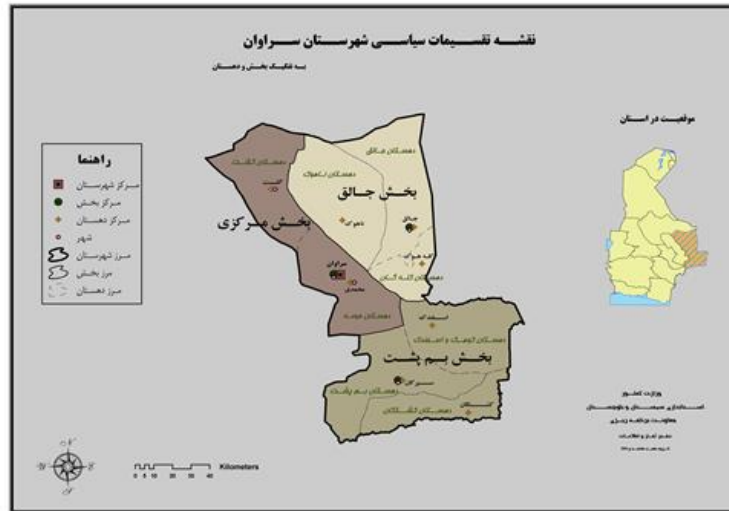
از نظر قومیت و نژاد، درباره‌ی بلوچ‌ها مطالعات عمیقی نشده است؛ عده‌ای آنها را حبشی و گروهی عرب یا از نژاد دراویدی و عده‌ای دیگر نیز آنها را قومی مرکب از نژادهای مختلف می‌دانند. (براهویی، ۱۳۷۸: ۱۸۶)

از نظر مذهبی اقلیت بلوچ ایران، اهل سنت هستند و از این جهت نیز با بلوچ‌ها و قلمرو اهل سنت پاکستان و شبه‌قاره‌ی هند مجانست دارند؛ ولی با بخش مرکزی ایران متفاوت‌اند. از نظر ریشه‌ی زبان و لهجه، زبان بلوچی را همانند پشتو، تاجیکی و کردی عضو خانواده‌ی زبان‌های ایرانی می‌دانند؛ اما لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان به‌مراتب به هم نزدیک‌ترند تا به زبان فارسی. بنابراین، بلوچستان ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ‌نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش عده‌ای از نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است. (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۵: ۸)

بلوچ‌ها در قالب ده‌ها طایفه بزرگ و کوچک سازماندهی شده‌اند. به گونه‌ای که شمار طایفه‌های بلوچ را بیش از ۱۵۰ طایفه کوچک و بزرگ ذکر کرده‌اند. (جهانبانی، ۱۳۸۸: ۶۲) طوایف بلوچ از زمان هجوم مغول تا اواسط قرن ۱۹ از قدرت و توانایی‌های بسیاری برخوردار بودند. (۹۶: spooner, ۱۹۸۳) گرچه در دوره‌های مختلف تاریخی حکومت مرکزی سعی در کنترل طوایف و سرداران آنها را داشت؛ اما در دور ضعف حکومت مرکزی، سرداران بلوچ در رأس طوایف، آغاز به گسترش حوزه‌ی نفوذ خود می‌کردند. (۴۳۴: ۱۹۷۱: salzman) وجود ساختار شبه فودالی در جنوب بلوچستان و سرداری در شمال بلوچستان، در نوع روابط سیاسی-اجتماعی و روابط اقتصادی با طوایف دیگر مستقر در این منطقه، از یک سو و بار دیگر اقوام همجوار از سوی دیگر، تأثیرگذار بوده است؛ یعنی روحیه‌ی جنگجویی در طوایف شمال و بخش مرزی بلوچستان ایران بیش‌تر از طوایف جنوب بوده است؛ چراکه طوایف ساکن جنوب به کشاورزی و طوایف شمال به حرکت ناشی از شبانی و دامداری وابسته بوده‌اند. ساختارطایفه‌ای و سرداری در بلوچستان با ظهور دولت مدرن دستخوش تحولات اساسی شد. با روی کار آمدن سلسله‌ی پهلوی این ساختار بیش‌تر در هم کوبیده شد. (عصاریان‌نژاد، ۱۳۸۳: ۴۹) با پیروزی انقلاب اسلامی این ساختار سنتی سرداری به شدت تضعیف شد، اما در قالب‌های جدیدی هم‌چون مولوی‌ها دوباره آغاز به فعالیت کرده است. (پیشگاهی‌فرد و امیدی آوج، ۱۳۸۸: ۶۵)

شهرستان سراوان

شهرستان سراوان در شرقی‌ترین نقطه کشور و در طول جغرافیایی ۲۰°۶۲' و عرض جغرافیایی ۲۲°۲۷' قرار گرفته و مساحت آن ۲۵۵۱۵ کیلومتر مربع بوده و ۱۵/۲ درصد مساحت کل استان سیستان و بلوچستان را تشکیل می‌دهد. سراوان از مرکز استان (زاهدان) ۳۵۲ کیلومتر فاصله داشته و از شمال غرب به شهرستان خاش، از شرق و جنوب شرق به پاکستان و از غرب به شهرستان ایرانشهر محدود گردیده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۶۵ متر می‌باشد.



شکل شماره ۳: نقشه شهرستان سراوان موقعیت آن در استان سیستان و بلوچستان

جدول شماره‌ی ۱: ویژگی‌های شهرستان سراوان در یک نگاه

ردیف	موضوع	شرح
۱	موقعیت جغرافیایی	۲۶ ۳۲ - ۶۱ ۰۰ تا ۲۸ ۰۵ - ۶۳ ۲۰
۲	مساحت	۲۳۸۸۰ کیلومتر مربع
۳	جمعیت	۲۴۰۵۷۴۲ نفر در سال ۱۳۸۵ اما براساس سال ۹۰ بیش از ۱۷۵/۷۲۸ نفر می‌باشد
۴	مذهب	۱۵٪ تشیع - ۹۵٪ تسنن
۵	تعداد بخش	۶ بخش (بم‌پشت - جالق - زابلی - سیب و سوران - مرکزی - هیدوچ)
۶	تعداد دهستان	۱۴ دهستان
۷	تعداد شهر	۶ شهر (بم‌پشت - جالق - زابلی - سوران - سراوان - هیدوچ)
۸	تعداد آبادی	۱۲۲۰ آبادی (۸۳۵ دارای سکنه - ۳۸۵ خالی از سکنه)
۹	ارتفاعات مهم	سیاهان - کوه سفید - کوه سرخ - بیرگ - رندیک - تیران گونبان - بم‌پشت
۱۰	رودخانه‌های مهم	ماشکید - مات کور - سردشت - میرعبدل - نهنگ - جالق - شیار برنجان - شیار بلبل
۱۱	طوایف سرشناس	رئییسی - میرمراذهی - اربابی - سیاهانی - درازهی - بلوچزی - یرکی
۱۲	طول مرز	۳۸۶ کیلومتر (پاکستان)
۱۳	تعداد حوزه‌های علمیه اهل سنت	بیش از ۳۰ حوزه
۱۴	تعداد حوزه‌های علمیه تشیع	۱
۱۵	تعداد طلاب اهل سنت	حدود ۱۵۰۰
۱۶	تعداد طلاب تشیع	۴۰ نفر (زن)

شهرستان سراوان دارای ۶ بخش (مرکزی، سیب و سوران، جالق، زابلی، بم‌پشت و هیدوچ) بوده که تمامی مراکز بخش‌ها به شهر تبدیل شده‌اند؛ ۱۴ دهستان و ۱۶ دهیاری و هزار پارچه آبادی تشکیل‌دهنده این شهرستان می‌باشند. بر اساس آخرین آمار موجود که مربوط به سرشماری در سال ۱۳۸۵ جمعیت این شهرستان ۲۳۸۳۷۰ نفر بوده که از این تعداد ۹۳۲۱۰ نفر را جمعیت بخش

مرکزی، ۲۷۸۴۰ نفر بخش بم‌پشت، ۲۳۵۲۹ نفر بخش جالق، ۳۲۰۲۸ نفر بخش زابلی، ۱۶۶۷۰ بخش هیدوچ و ۴۵۰۹۳ نفر بخش سیب و سوران تشکیل می‌دهند. در حال حاضر و با توجه به جداسدن چند بخش و شهر از سراوان جمعیت این شهرستان بالغ بر ۲۲۸ تا ۱۷۵ هزار نفر می‌باشد.

شهرستان سراوان در سال ۱۳۹۰ جمعیتی بیش از ۱۷۵/۷۲۸ نفر را در خود جای داده که از این تعداد ۹۵٪ اهل سنت و ۵٪ تشیع که بعضاً غیربومی و عمدتاً کارکنان (دولت، کسبه و بازاری) می‌باشند. اکثریت جمعیت شهرستان را قوم بلوچ تشکیل می‌دهند. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۵، ۲۳)

آنچه که بیش از سایر خصوصیات و ویژگی‌ها در زندگی مردم سراوان، برجسته و مهم است، بافت قومی و طایفه‌ای است، زندگی طایفه‌ای و پراکندگی آن در سطح شهرستان و گره خوردن آن با موضوعات امنیتی و فرهنگی و اجتماعی و در واقع زندگی روزمره مردم دارد.

شهر سراوان شهر قومیت‌هاست و طوایف بزرگی در کنار هم زندگی می‌کنند که نام برخی از طوایف عمده و سرشناس عبارتند از: طایفه دهواری، نصرتی، حسین‌بر، گمشادزهی، درازهی، بلوچ‌زهی، جهان‌دیده، پرکی، ملازهی، رئیسی، سپاهی، دهقان، هیبت‌زهی، رضازهی، زومک‌زهی، قلندرزهی، میرمراذهی، محمودی امراء، ملک‌زاده، جنگی‌زهی، حسین‌زهی، فاضلی، محمدی، سیدزاده، حسینی، طاهری، باران‌زهی، سیاهانی، درزاده و... لازم به ذکر است طوائف یاد شده، پیکره و ساختار اصلی خود را محفوظ داشته‌اند، شاخه‌ها و تیره‌هایی نیز از آنها منشعب شده است. اختلافات طائفه‌ای و قبیله‌ای در بین این مذهب (تسنن) به وفور یافت می‌شود که گاه‌آ این اختلافات به کشت و کشتار افراد دو طائفه نیز منتهی می‌گردد. (کریمی‌پور، ۱۳۷۱، ۱۶ - ۱۰)

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق (تجزیه و تحلیل آماری):

در جهت جواب به سؤالات پس از جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ها و تجزیه و تحلیل‌های آماری بر روی آنها نتایج زیر حاصل شد:

سؤال ۱: مهم‌ترین علل و عوامل محیطی و جغرافیایی تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند و تأثیر آنها بر امنیت این شهرستان (سراوان) و استان (سیستان و بلوچستان) به چه میزان است؟

در راستای جواب دادن به سؤال اول فرعی تحقیق پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسشنامه نتایج زیر در جدول شماره‌ی ۲ حاصل شد.

جدول شماره‌ی ۲: نتایج تحلیل آماری علل و عوامل محیطی و جغرافیایی مؤثر در امنیت شهرستان سراوان و

امنیت استان سیستان بلوچستان

میزان تأثیر عوامل جغرافیایی موجود در شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان					علل و عوامل جغرافیایی تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت شهرستان سراوان (در حالت کلی)					عوامل
انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالایی نمرات	کرانه پایینی نمرات	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالایی نمرات	کرانه پایینی نمرات	تعداد	
1.066	3.79	5	1	100	.962	3.58	5	1	98	انزوای جغرافیایی نسبت به مرکزیت کشور
.845	3.81	5	1	98	.909	3.65	5	1	98	مرزهای طولانی زمینی
.886	3.68	5	1	100	.906	3.77	5	1	98	موقعیت و محیط جغرافیایی (قرار گرفتن در همسایگی کشورهای بی ثبات افغانستان و پاکستان و قرار گرفتن ترانزیت مواد مخدر و ...)
1.018	3.64	5	1	98	.854	4.16	5	1	95	وجود سرزمین و اقلیم نامساعد (کویری بودن، و شرایط اقلیمی و طبیعی و...)
.66175	3.7344	5.00	۱	96	.63874	3.7658	5.00	۱	95	میانگین کل عوامل

نتایج ارائه شده در جدول فوق توصیف‌کننده عوامل چهارگانه علل و عوامل محیطی و جغرافیایی تأثیرگذار در امنیت شهرستان سراوان در حالت کلی و نیز با توجه به میزان تأثیر بر

امنیت داخلی استان می‌باشد. ارزیابی پاسخ‌دهندگان علل و عوامل محیطی و جغرافیایی در امنیت شهرستان سراوان در حالت کلی، نشان می‌دهد که عامل "وجود سرزمین و اقلیم نامساعد (کویری بودن، و شرایط اقلیمی و طبیعی و...)"، با میانگین ۴,۱۶ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "انزوای جغرافیایی نسبت به مرکزیت کشور" با میانگین ۳,۵۸ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری می‌باشد.

هم‌چنین در زمینه میزان تأثیر علل و عوامل محیطی و جغرافیایی شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان عامل "مرزهای طولانی زمینی"، با میانگین ۳,۸۱ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "وجود سرزمین و اقلیم نامساعد (کویری بودن، و شرایط اقلیمی و طبیعی و...)" با میانگین ۳,۶۴ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری است.

در راستای جواب دادن به سؤال فرعی دوم تحقیق پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه نتایج زیر در جدول شماره ۳ حاصل شد:

سؤال دوم فرعی: مهم‌ترین علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند؟ و تأثیر آنها در امنیت این شهرستان و استان به چه میزان است؟

نتایج ارائه شده در جدول شماره ۳، توصیف‌کننده عوامل هفت‌گانه علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی) تأثیرگذار بر امنیت شهرستان سراوان در حالت کلی و نیز با توجه به میزان تأثیر بر امنیت داخلی استان می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۳: نتایج تحلیل آماری علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و

قوم‌گرایی) مؤثر در امنیت شهرستان سراوان و امنیت استان سیستان و بلوچستان

میزان تأثیر این عوامل در شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان					علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت شهرستان سراوان (در حالت کلی)					عوامل
انحراف استاندارد	میانگین	کرنه بالای نمرات	کرنه پایین نمرات	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	کرنه بالای نمرات	کرنه پایین نمرات	تعداد	
.969	3.97	5	1	100	1.067	3.51	5	1	98	سیاست‌های دولتمردان نسبت به دو قوم بلوچ و سیستانی
.893	3.70	5	1	100	.982	3.45	5	1	99	عدم توجه به مطالبات قانونی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گروه‌های قومی و مذهبی
.903	3.95	5	1	100	1.071	3.57	5	1	99	نفوذ و هابیت و ترویج تفکرات ضدشيعی و... در بين مولوی‌ها و اهل سنت در راستای اختلاف‌افکنی بين شيعه و سنی
.971	3.84	5	1	98	1.017	3.55	5	1	98	فقر فرهنگی و اجتماعی در سطح استان و منطقه
.970	3.83	5	1	96	1.109	3.65	5	1	95	سیاست‌های قومی و مذهبی مسجد مکی
.944	3.64	5	1	95	1.048	3.68	5	1	99	شرایط قومی و مذهبی حاکم بر استان و منطقه (دوگانگی قومیت و مذهب با جمعیت)
1.008	3.77	5	1	99	1.052	4.08	5	1	98	دخالت‌های فراوان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و بعضاً حمایت‌های مالی کشورهای حاشیه‌نشین خلیج فارس در میان مناطق بلوچ و سنی‌نشین (در راستای ترویج افکار و عقاید و اختلاف‌افکنی)
.6569	3.812	5.0	1.43	89	.7787	3.6444	5.00	1.57	90	میانگین کل عوامل

ارزیابی پاسخ‌دهندگان از علل و عوامل تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی مذهبی و امنیت شهرستان سراوان در حالت کلی، نشان می‌دهد که عامل "دخالت‌های فراوان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و بعضاً حمایت‌های مالی کشورهای حاشیه‌نشین خلیج فارس در میان مناطق بلوچ و سنی‌نشین (در راستای ترویج افکار و عقاید و اختلاف‌افکنی)"، با میانگین ۴,۰۸ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "عدم توجه به مطالبات قانونی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گروه‌های قومی و مذهبی" با میانگین ۳,۴۵ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری می‌باشد. هم‌چنین در زمینه میزان تأثیر این علل و عوامل بر امنیت داخلی استان عامل "سیاست‌های دولتمردان نسبت دو قوم بلوچ و سیستانی"، با میانگین ۳,۹۷ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "شرایط قومی و مذهبی حاکم بر استان و منطقه (دوگانگی قومی-مذهبی)" با میانگین ۳,۶۴ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری است.

در راستای جواب دادن به سؤال فرعی سوم تحقیق پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه نتایج زیر در جدول شماره ۴ حاصل شد:

سؤال فرعی ۳: مهم‌ترین علل و عوامل‌های فرهنگی-اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند؟ و تأثیر آنها بر امنیت این شهرستان و استان به چه میزان است؟

جدول شماره‌ی ۴: نتایج تحلیل آماری علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)

مؤثر در امنیت شهرستان سراوان و امنیت استان سیستان و بلوچستان

میزان تأثیر عوامل در شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان					علل و عوامل تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت شهرستان سراوان (در حالت کلی)					عوامل
انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالایی	کرانه پایینی	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالایی	کرانه پایینی	تعداد	
1.034	4.05	5	1	99	1.241	3.33	5	1	95	نابرابری شاخص‌های توسعه‌یافتگی مناطق بلوچستان نسبت به سیستان (عدم توسعه یافتگی روستاها و هم‌چنین حاشیه‌نشینی در شهرهای زاهدان - زابل - ایرانشهر - چابهار و سراوان نسبت به سایر مناطق استان)
.933	3.72	5	1	100	1.022	3.51	5	1	97	عدم تمایل و یا تمایل کم سرمایه‌داران قومی و مذهبی و مذهبی (قوم بلوچ) به مشارکت فعال سرمایه‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای (توسعه اقتصادی)
1.002	3.81	5	1	100	1.265	3.50	5	1	96	گسترش روزافزون قاچاق دوسویه در مناطق مرزی استان و منطقه و تبعات ناشی از آن
1.005	3.70	5	1	99	1.149	3.65	5	1	100	خروج سرمایه‌های اقتصادی به کشورهای همسایه (به علت ضعف سیستم مدیریت اقتصادی استان)
.998	3.73	5	1	99	1.128	3.94	5	1	95	کمبود منابع اقتصادی (کانی و معدنی) و زیرساخت‌های کلان در منطقه
.78522	3.8227	5.00	1.20	97	.89571	3.5648	5.00	1.40	91	میانگین کل عوامل

نتایج ارائه شده در جدول فوق توصیف‌کننده عوامل هفت‌گانه علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی) تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی بر امنیت شهرستان سراوان در حالت کلی و نیز با توجه به میزان تأثیر آنها بر امنیت داخلی استان می‌باشد.

ارزیابی پاسخ‌دهندگان علل و عوامل تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی بر امنیت شهرستان سراوان در حالت کلی، نشان می‌دهد که عامل "کمبود منابع اقتصادی (کافی و معدنی) و زیرساخت‌های کلان در منطقه"، با میانگین ۳,۹۴ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "نابرابری شاخص‌های توسعه‌یافتگی مناطق بلوچستان نسبت به سیستان (عدم توسعه‌یافتگی روستاها و هم‌چنین حاشیه‌نشینی در شهرهای زاهدان، زابل، ایرانشهر، چابهار و سراوان نسبت به سایر مناطق استان)" با میانگین ۳,۳۳ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری می‌باشد. هم‌چنین در زمینه میزان تأثیر این علل و عوامل در شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان عامل "نابرابری شاخص‌های توسعه‌یافتگی مناطق بلوچستان نسبت به سیستان (عدم توسعه‌یافتگی روستاها و هم‌چنین حاشیه‌نشینی در شهرهای زاهدان، زابل، ایرانشهر، چابهار و سراوان نسبت به سایر مناطق استان)" با میانگین ۴,۰۵ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "خروج سرمایه‌های اقتصادی به کشورهای همسایه (به علت ضعف سیستم مدیریت اقتصادی استان)" با میانگین ۳,۷۰ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری است.

در راستای جواب دادن به سؤال فرعی چهارم تحقیق پس از تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه نتایج زیر در جدول شماره ۵ حاصل شد:

سؤال فرعی ۴: مهم‌ترین عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی) تأثیرگذار در امنیت داخلی شهرستان سراوان کدامند؟ و تأثیر آنها بر امنیت این شهرستان و استان به چه میزان است؟

جدول شماره‌ی ۵: نتایج تحلیل آماری علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی) در

امنیت شهرستان سراوان و امنیت استان سیستان و بلوچستان

میزان تأثیر این عوامل در شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان					علل و عوامل تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت شهرستان سراوان (در حالت کلی)					عوامل
انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالای نمرات	کرانه پایین نمرات	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالای نمرات	کرانه پایین نمرات	تعداد	
.919	4.00	5	1	98	1.196	3.15	5	1	98	مجاورت با کشورهای ناامن افغانستان و پاکستان و تبعات امنیتی ناشی از مرزهای ناامن آنها
.873	3.82	5	1	99	1.167	3.38	5	1	99	وجود درگیری‌های قومی و مذهبی در پاکستان و تبعات ناشی از آن بر امنیت استان و منطقه
.985	3.78	5	1	99	1.318	3.31	5	1	97	قرارگرفتن در مسیر بین‌المللی قاچاق مواد مخدر و تبعات ناشی از آن
.996	3.87	5	2	97	1.133	3.52	5	1	98	حضور و فعالیت گروه‌های شرور مسلح و قاچاقچی مواد مخدر در حاشیه مرز
.990	3.67	5	1	99	1.148	3.41	5	1	96	وجود مولوی‌های تندرو و افراطی در سطح استان و منطقه
.977	3.81	5	1	96	1.168	3.47	5	1	91	عدم توسعه یافتگی روستاها و هم‌چنین حاشیه‌نشینی در شهرستان‌های زاهدان - زابل - ایرانشهر چابهار و سراوان نسبت به سایر مناطق استان
1.013	3.65	5	1	99	1.291	3.29	5	1	97	وجود اتباع بیگانه در استان و تبعات ناشی از حضور آنها
1.088	3.80	5	1	99	1.081	3.93	5	1	99	بیکاری جوانان و عدم اشتغال که زمینه بروز بیش‌تر ناهنجاری‌های اجتماعی و امنیتی را فراهم می‌کند
.7148	3.817	5.00	1.63	93	.8515	3.425	5.00	1.38	86	میانگین کل عوامل

نتایج ارائه شده در جدول فوق توصیف‌کننده عوامل هفت‌گانه آسیب‌پذیری‌های فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی) مؤثر بر عملکرد گروه‌های قومی - مذهبی و امنیت در شهرستان سراوان در حالت کلی و نیز با توجه به میزان تأثیر این عوامل بر امنیت داخلی این استان می‌باشد.

ارزیابی پاسخ‌دهندگان آسیب‌پذیری‌ها در شهرستان سراوان در حالت کلی نشان می‌دهد که عامل "بیکاری جوانان و عدم اشتغال که زمینه بروز بیش‌تر ناهنجاری‌های اجتماعی و امنیتی را فراهم می‌کند"، با میانگین ۳,۹۳ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "مجاورت با کشورهای ناامن افغانستان و پاکستان و تبعات امنیتی ناشی از مرزهای ناامن آنها" با میانگین ۳,۱۵ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری می‌باشد.

هم‌چنین در زمینه میزان تأثیر آسیب‌پذیری‌ها در شهرستان سراوان بر امنیت داخلی استان عامل "مجاورت با کشورهای ناامن افغانستان و پاکستان و تبعات امنیتی ناشی از مرزهای ناامن آنها"، با میانگین ۴ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "وجود اتباع بیگانه در استان و تبعات ناشی از حضور آنها" با میانگین ۳,۶۵ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری است.

بعد از اینکه تحلیل آماری داده‌های تحقیق جهت پاسخ به سؤالات فرعی انجام شد، جهت پاسخ دادن به سؤال اصلی تحقیق در کنار تحلیل سؤالات فرعی همه عوامل نیز به صورت کلی نیز مورد تجزیه و تحلیل و بررسی آماری قرار گرفتند که نشان دهد از میان عوامل اصلی تأثیرگذار بر عملکرد گروه‌های قومی - مذهبی در امنیت شهرستان سراوان و به تبع بر امنیت استان سیستان و بلوچستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره‌ی ۶: نتایج تحلیل آماری علل و عوامل مختلف تأثیرگذار بر عملکرد گروه‌های قومی - مذهبی

شهرستان سروان و امنیت استان سیستان بلوچستان

میزان تأثیر این عوامل در شهرستان سروان بر امنیت داخلی استان					علل و عوامل تأثیرگذار در عملکرد گروه‌های قومی و مذهبی در امنیت شهرستان سروان (در حالت کلی)					ابعاد
انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالایی	کرانه پایینی	تعداد	انحراف استاندارد	میانگین	کرانه بالایی	کرانه پایینی	تعداد	
.66175	3.7344	5.00	2.00	96	.63874	3.7658	5.00	2.25	95	علل و عوامل محیطی و جغرافیایی
.65699	3.8122	5.00	1.43	89	.77871	3.6444	5.00	1.57	90	علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی)
.78522	3.8227	5.00	1.20	97	.89571	3.5648	5.00	1.40	91	علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)
.71488	3.8172	5.00	1.63	93	.85155	3.4259	5.00	1.38	86	علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی)
.54104	3.8137	5.00	2.10	77	.64865	3.5741	5.00	2.02	71	میانگین کل

نتایج ارائه شده در جدول فوق توصیف‌کننده ابعاد چهارگانه آسیب‌پذیری‌ها در شهرستان سروان در حالت کلی و نیز با توجه به میزان تأثیر بر امنیت داخلی استان می‌باشد.

ارزیابی پاسخ‌دهندگان علل و عوامل در شهرستان سروان در حالت کلی نشان می‌دهد که "علل و عوامل محیطی و جغرافیایی"، با میانگین ۳,۷۶ نسبت به سایر ابعاد دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی)" با میانگین ۳,۴۲ نسبت به سایر ابعاد دارای میانگین کمتری می‌باشد.

هم‌چنین در زمینه میزان تأثیر علل و عوامل در شهرستان سروان بر امنیت داخلی استان "علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)"، با میانگین ۳,۸۲ نسبت

به سایر عوامل دارای میانگین بالاتری می‌باشد و "علل و عوامل محیطی و جغرافیایی" با میانگین ۳,۷۳ نسبت به سایر عوامل دارای میانگین کمتری است.

جهت قوت بیش‌تر تحلیل‌های آماری جهت پاسخ به سؤال اصلی و تأیید و یا عدم تأیید نتایج آزمون‌های آماری توصیفی بالا جهت مقایسه عوامل اصلی از آزمون فریدمن نیز استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره‌ی ۷ و ۸ آمده است.

جدول شماره‌ی ۷: میانگین رتبه مربوط به آسیب‌پذیری‌ها (ضعف‌ها و تهدیدات) در ابعاد مختلف در

شهرستان سراوان در امنیت این شهرستان

میانگین رتبه	ابعاد
2.85	آسیب‌پذیری‌های محیطی و جغرافیایی
2.60	آسیب‌پذیری‌های فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی)
2.46	آسیب‌پذیری‌های فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)
2.10	آسیب‌پذیری‌های فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی)

نتایج آزمون فریدمن در جدول فوق توصیف‌کننده میانگین رتبه مربوط به علل و عوامل (ضعف‌ها و تهدیدات) در ابعاد مختلف در شهرستان سراوان در حالت کلی می‌باشد؛ و نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که رتبه بعد: "علل و عوامل محیطی و جغرافیایی"، با میانگین رتبه ۲,۸۵ و "علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی)"، با میانگین رتبه ۲,۶۰، نسبت به سایر ابعاد دارای میانگین رتبه بالاتری می‌باشند.

این عامل به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد مربوط به علل و عوامل (ضعف‌ها و تهدیدات) در ابعاد مختلف در شهرستان سراوان در حالت کلی محسوب می‌شوند و ابعاد دیگر به ترتیب رتبه‌های پایین‌تری را دارند و بنا بر نتایج فوق بعد "علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی)" با میانگین رتبه ۲,۱۰، دارای میانگین رتبه پایین‌تری نسبت به سایر ابعاد می‌باشد.

جدول شماره‌ی ۸: میانگین رتبه مربوط به علل و عوامل (ضعف‌ها و تهدیدات) در ابعاد مختلف در شهرستان

سراوان با توجه به میزان تأثیر بر امنیت داخلی استان

میانگین رتبه	ابعاد
2.66	علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)
2.58	علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی)
2.46	علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت امنیتی)
2.29	علل و عوامل محیطی و جغرافیایی

نتایج آزمون فریدمن در جدول فوق توصیف‌کننده میانگین رتبه مربوط به علل و عوامل (ضعف‌ها و تهدیدات) در ابعاد مختلف در شهرستان سراوان با توجه به میزان تأثیر بر امنیت داخلی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که رتبه ابعاد: "علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت اقتصادی)"، با میانگین رتبه ۲,۶۶، و "علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی (با تأکید بر وضعیت سیاسی و قوم‌گرایی)"، با میانگین رتبه ۲,۵۸، نسبت به سایر ابعاد دارای میانگین رتبه بالاتری می‌باشند.

این عامل به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مربوط به علل و عوامل (ضعف‌ها و تهدیدات) در ابعاد مختلف در شهرستان سراوان با توجه به میزان تأثیر بر امنیت داخلی استان محسوب می‌شوند؛ و ابعاد دیگر به ترتیب رتبه‌های پایین‌تری را دارند و بنا بر نتایج فوق بعد "علل و عوامل محیطی و جغرافیایی" با میانگین رتبه ۲,۲۹، دارای میانگین رتبه پایین‌تری نسبت به سایر ابعاد می‌باشد.

همان‌طور که نتایج جداول شماره‌ی ۷ و ۸ نشان می‌دهد، نتایج آزمون فریدمن نیز نتایج آزمون‌های قبلی (جدول شماره‌ی ۷) را تأیید می‌کند که بیش از پیش پاسخ به سؤال اصلی تحقیق را در مراحل قبلی تأیید می‌کند.

بحث و تجزیه و تحلیل نتایج

با توجه به حساسیت‌های منطقه (استان) سیستان بلوچستان، برنامه‌ریزان باید با بهره‌گیری از مبانی نظری قومیت و با برنامه‌ریزی منسجم در جهت رفع بسیاری از مشکلات و تنش‌ها کوشیده و

از این موقعیت‌ها در جهت بالابردن ضریب امنیت داخلی و ارتقای توان حاکمیت جمهوری اسلامی گام بردارند. طبق نظریه‌ی گر (نظریه‌ی محرومیت نسبی) پیش‌شرط لازم برای ستیز خشونت‌بار مدنی، وجود محرومیت نسبی است. بنابراین، وقوع خشونت مدنی نشانه‌ی احتمال وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشم‌گیری از افراد اجتماع است؛ و نکته ملازم با حکم اخیر این که هرچه محرومیت نسبی شدیدتر باشد، احتمال و شدت خشونت مدنی بیش‌تر خواهد بود. بنابراین، دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید بکوشد تا به‌کارگیری طرح آمایش اقتصادی و با برنامه‌ریزی منسجم امکانات اقتصادی و معیشتی لازم را برای ساکنان این مناطق فراهم کرده و در جهت بهره‌برداری هر چه بیش‌تر از این منطقه از نظر اقتصادی و امنیتی گام بردارد.

هم‌چنین طبق نظریه‌ی گوبوگلو، خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی - اجتماعی قابل بررسی است. وی بیش‌ترین توجه خود را به عناصر و عوامل قومی در دسته‌بندی اجتماعی، تقسیمات‌کاری و طبقه‌بندی اجتماعی معطوف کرده است. این دیدگاه، پدیده‌ی غضب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی توسط اعضای یک گروه قومی و نژادی را به‌عنوان کشف عمده خود در نظر می‌گیرد که این تفاوت‌های اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قوی ایجاد می‌کند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید بکوشد تا هرچه بیش‌تر امکانات و فرصت‌های اجتماعی را با نظارت تمام بین تمامی اقشار جامعه تقسیم نموده و از ظرفیت تمامی این گروه‌ها و قومیت در جهت پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران و برقراری امنیت پایدار در جامعه گام بردارد.

در نظریه‌ی دیگری که توسط مایکل هکتر (هشتر) به طور مبسوط شرح داده شده، تأکید دارد که همبستگی قومی ممکن است در یک نظام سیاسی ملی در نتیجه‌ی وخیم شدن نابرابری‌های منطقه‌ای بین یک هسته متمایز فرهنگی و پیرامون آن تقویت شود. نگرانی مستولی نخبگان مرکز، حفظ «وابستگی ابزاری» جمعیت پیرامون است. در نتیجه، اعضای گروه‌های پیرامون به دنبال استفاده از نشانه‌های فرهنگی به‌عنوان اهرم‌هایی برای پایان دادن یا غیرموجه نمودن ترتیبات غالب هستند. با توجه به این نظریه توجه کردن به همه قومیت‌ها و گروه‌ها را باید بیش از پیش تقویت نموده و اجازه

ندهد که نگرشی خلاف این اصل نه تنها در این منطقه (منطقه سیستان و بلوچستان) بلکه در مناطق و قومیت‌های دیگر در هیچ زمینه‌ای بروز کند؛ و تنها در سایه این اصول است که می‌توان به امنیت باثبات و پایدار در منطقه رسید.

هم‌چنین طبق نظریه‌ی رقابت بر سر منابع، یکپارچه کردن سیاسی گروه‌های قومی در درون یک دولت - ملت زمینه‌ی مشخصی را به وجود می‌آورد که در آن رقابت برای منابع - به‌ویژه برای مشاغل دولتی - به انگیزه‌ی تضاد بین قومی تبدیل می‌شود. هنگامی که منابع رقابتی واضحی وجود دارند که با یک هویت قومی مرتبط باشد، هویت قومی به‌عنوان مبنایی برای کنش جمعی به وجود آمده و حفظ می‌شود. بنابراین، در نظر گرفتن این اصول و ایجاد سازوکاری در جهت رقابت بدون تنش و مدنی از اصول کار می‌باشد که با مطالعه هرچه بیش‌تر در راستای عوامل حساسیت‌زا و حذف بیش‌تر آن در این استان و منطقه گام برداشت و شرایط رقابتی سالم و بدون تنش را بیش از پیش با برنامه‌ریزی روی نمادهای ملی و واحد و پررنگ کردن آنها کوشید.

بنابراین، در راستای رسیدن به امنیت پایدار در این منطقه و استان (به خصوص شهرستان سروان) که از حساس‌ترین مناطق کشور از نظر بروز و پررنگ بودن عوامل امنیتی کشور محسوب می‌شود، با بهره‌گیری از این نظریات پایه‌ای و در جهت شناسایی عوامل تنش‌زای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مذهبی تلاش نموده تا بتوان به صورت علمی‌تر و با برنامه‌ریزی بهتر در جهت رفع و خنثی‌سازی این عوامل کوشیده و منطقه‌ای امن و مستعد را ابتدا برای مردم این دیار به ارمغان آورده و سپس مایه پایداری و عزت بیش از پیش ایران اسلامی در محیطی امن و شکوفا باشیم.

باتوجه به اینکه وجود گروه‌های قومی و مذهبی یا هر اقلیتی در هر کشور می‌تواند به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی حکومت و حاکمیت و در واقع در شکل‌گیری و تشکیل یک دولت مؤثر باشند؛ بنابراین، عملکرد آنها نیز می‌تواند به میزان تأثیرگذاری و سهم آنها در حاکمیت مؤثر باشد. اگرچه عملکردهایی که گروه‌های قومی و مذهبی از خود بر جای می‌گذارند به تناسب پارامترهایی هم‌چون، جمعیت، موقعیت و گستره جغرافیایی و یا میزان

نفوذ و تأثیرگذاری آنها در حاکمیت مرکز و... می‌باشد. هرکدام از عملکردهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و بین‌المللی گروه‌های قومی و مذهبی به نوبه خود می‌تواند در ایجاد امنیت منطقه‌ای و حتی ملی نقشی مثبت و یا حتی منفی بازی کنند. نقش مثبت بازی کردن گروه‌های قومی و مذهبی منوط به توجه و برآورده کردن مطالبات قومی و مذهبی و دخیل کردن آنها در حاکمیت اداره کشور است.

بدین ترتیب، گروه‌های قومی و مذهبی با عملکردهای مثبت و منفی خود که در زیر به برخی از آنها اشاره شده است، می‌توانند ایفای نقش کنند.

الف) عملکرد اقتصادی

- مشارکت و یا عدم مشارکت فعال گروه‌های قومی و مذهبی (قوم بلوچ) در سرمایه‌گذاری‌های ملی و محلی (توسعه اقتصادی)؛
- مشارکت و یا عدم مشارکت در توسعه و گسترش روزافزون قاچاق دوسویه در مناطق مرزی؛
- مشارکت و یا عدم مشارکت در خروج سرمایه‌های اقتصادی در مناطق مرزی.

ب) عملکرد اجتماعی و فرهنگی

- گسترش و یا عدم ناهنجاری‌های اجتماعی - توزیع و مصرف مواد مخدر، سرقت، قتل، منازعات و درگیری‌های قومی - قبیله‌ای؛
- ایجاد و یا عدم تشکل‌های فرهنگی به منظور مقابله با فرهنگ ملی و در جهت تحریک و تبلیغ افکار قوم‌گرایانه؛
- همگرایی و واگرایی قومی و مذهبی نسبت به حکومت مرکزی؛
- ترویج و گسترش تفکرات افراطی و تند علیه افکار و عقاید شیعه از طریق پرورش طلاب و مولوی‌های تندرو با حمایت مراکز علمیه اهل سنت خارج از کشور.

ج) عملکرد سیاسی

- برخورد سیاسی با انتخابات - مشارکت و یا عدم مشارکت در انتخابات به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر دولت و کاستن از مشروعیت سیاسی آن؛
- تلاش نخبگان سیاسی برای تجمیع و یا تحریک توده‌های قومی در راستای اهداف سیاسی؛
- تحریک و تبلیغ افکار قومی و مذهبی در فضای سیاسی و ایجاد تنش و ناآرامی.

د) عملکرد امنیتی

- مشارکت و یا عدم مشارکت در شکل‌گیری احزاب و گروهک‌های معاند و مخالف نظام در راستای مبارزه با نظام به بهانه دفاع از مطالبات اهل سنت و قوم بلوچ؛
- حمایت غیرعلنی و یا بعضاً علنی از اقدامات گروهک‌های معاند و مخالف نظام؛
- موضع‌گیری‌های تند و افراطی علیه نظام و مسئولان اجرایی کشور و هم‌چنین اقدامات امنیتی انجام شده در سطح منطقه.

توجه به این موضوع که وجود گروه‌های قومی و مذهبی در هر کشوری می‌تواند یک فرصت باشد؛ بدین ترتیب، باید رویکردی خوشبینانه به این گروه‌ها داشت و در جهت برقراری امنیت داخلی با توجه به این گروه‌های قومیتی گام‌هایی برداشته شود.

راهکارهای بلندمدت

- توجه به خواسته‌ها و مطالبات قانونی گروه‌های قومی و مذهبی (قوم بلوچ) و حرکت در راستای برآورده کردن آنها در جهت جلوگیری از حس تبعیض و محرومیت؛
- استفاده از پتانسیل‌های مردمی قوم بلوچ در راستای برقراری امنیت داخلی؛
- نهادینه کردن طرح امنیتی شهید شوشتری در راستای توسعه، تقویت و به‌کارگیری طوایف بلوچ در برقراری امنیت در منطقه و رفع موانع و مشکلات گروه‌های قومی؛
- رفع محرومیت اقتصادی و اجتماعی قوم بلوچ با ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی؛

- انسداد فیزیکی مرزهای شهرستان از جهت نفوذ گروه‌های تندرو و معاند و ضد انقلاب به داخل؛
- تقویت اسطوره‌ها و اشتراکات قومی و مذهبی قوم بلوچ با قوم فارس؛
- برگزاری همایش‌ها و نشست‌های بین‌قومی (شیعه و سنی) در راستای تقویت حس برادری و برابری؛
- سهیم کردن قوم بلوچ در سازمان‌ها و ادارات با توجه به رعایت مباحث امنیتی؛
- رفع حس تبعیض و محرومیت قومی و مذهبی در میان نخبگان قومی و مذهبی و عامه مردم؛
- اجرای طرح‌های توسعه‌ای و زیربنایی در اوضاع اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و... در راستای دسترسی آسان و سریع با مرکزیت استان و کشور؛
- جلوگیری از نفوذ و یا دخالت کشورهای همجوار در مباحث و مسائل مرتبط با گروه‌های قومی و مذهبی (قوم بلوچ)؛
- نظارت دقیق بر حوزه‌ها و مراکز دینی گروه‌های قومی و مذهبی در سطح استان و شهرستان.

راهکارهای کوتاه‌مدت

- انسداد و کنترل فیزیکی و فنی نقاط آسیب‌پذیر مرزهای شهرستان و اجرای طرح‌های دفاعی و امنیتی - ضربتی از طریق به‌کارگیری اهل سنت همراه و همسو با نظام؛
- ایجاد و احداث طرح‌های زودبازده اقتصادی در راستای کاهش بیکاری و توسعه اقتصادی شهرستان از طریق تقویت و توسعه بازارچه‌های مرزی در سطح شهرستان، ارائه وام‌های و طرح‌های زودبازده و درآمدزا و...؛
- کنترل و هدایت مولوی‌های مسأله‌دار و افراطی اهل سنت در ارتباط‌گیری با بیرون مرزها و بعضاً درون استانی؛
- برگزاری همایش‌های فرهنگی، ورزشی، علمی، قومی و مذهبی در سطح شهرستان؛
- جلوگیری از گسترش فعالیت فرقه‌های سلفیت و وهابیت در سطح شهرستان.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق و نتیجه‌گیری مرتبط با آن حاکی از آن است که بررسی علل و عوامل و در کنار آن شناخت فرصت‌ها و قوت‌های گروه‌های قومی و مذهبی (قوم بلوچ سنی) تأثیر بسزایی در امنیت پایدار منطقه و به تبع آن امنیت ملی دارد.

از این‌رو، با شناخت دقیق آسیب‌ها و تهدیدات و تبدیل آنها به فرصت و در نهایت به قوت می‌توان ضمن ایجاد یک ثبات نسبی در منطقه از پتانسیل‌های گروه‌های قومی و مذهبی در مقابله با تهدیدکنندگان و تحریک‌کنندگان خارجی جلوگیری و مانع از سوءاستفاده آنها شد. ضمن اینکه با ایجاد امنیت می‌توان رونق اقتصادی، و فرهنگی و اجتماعی در منطقه جنوب شرق (استان سیستان و بلوچستان) را تقویت نمود. از سوی دیگر، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب زندگی و فعالیت در مناطق مرزی و حاشیه‌ای به منظور جذب و نگه داشتن جمعیت در این مناطق، ایجاد و راه‌اندازی مراکز علمی و دانشگاهی برای توسعه و ارتقای سطح علمی ساکنان منطقه، تلاش در جهت استقرار و پایداری عوامل وحدت‌زا بین اهل سنت و شیعیان منطقه، افزایش سطح آگاهی مردم از طریق وسایل جمعی و رسانه‌های گروهی و مقابله با فعالیت‌های تهاجمات فرهنگی، دعوت و برگزاری جلسات و نشست‌ها با سران اقوام و طوایف و شخصیت‌های مذهبی و صاحب نفوذ اهل سنت جهت تبادل نظر و انتقال نظرات نظام به آنها از پتانسیل‌های گروه‌های قومی و مذهبی قوم بلوچ ساکن در منطقه جنوب شرق (به‌خصوص شهرستان سراوان) استفاده لازم را برد.

منابع

فارسی

- ۱- احمدی حمید (۱۳۷۹)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران، فصلنامه مطالعات ملی.
- ۲- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، معمای امنیت در کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، امنیت عمومی: مثابه فرهن، تهران: نشر کلمه.
- ۴- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۰)، عشایر و طوایف سیستان و بلوچستان، انتشارات نسل دانش.
- ۵- الطائی، علی (۱۳۸۳)، بحران هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.
- ۶- اشرف، احمد (۱۳۷۲)، هویت ایرانی، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۳.
- ۷- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی.
- ۸- بهفروز، فاطمه (۱۳۸۰)، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۹- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۵)، تحلیل چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی، پژوهش‌های جغرافیایی، سال سی و هشتم، ش ۵۷، انگلیسی
- ۱۰- تدینی، حبیب‌الله (۱۳۷۹)، بررسی نقش شیعیان استان سیستان و بلوچستان در امنیت منطقه.
- ۱۱- تهامی، مجتبی (۱۳۷۶)، امنیت ملی دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی، جلد اول، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ دوم.
- ۱۲- چگینی، حسن (۱۳۷۴)، طرح‌ریزی استراتژیک نظامی و برنامه‌ریزی دفاعی، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه علوم استراتژیک.
- ۱۳- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- حسینی (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیای نظامی منطقه کویری استان سمنان و نقش آن در دفاع و امنیت، تهران، دافوس سپاه.
- ۱۵- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۰)، بررسی نقش هویت قومی در اتحاد ملی (مورد مطالعه قوم بلوچ).

- ۱۶- کالینز، جان ام (۱۳۸۳)، جغرافیای نظامی، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- ۱۷- کاظمی تار، تقی (۱۳۷۳)، جغرافیای نظامی استان سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد.
- ۱۸- کریمی‌پور (۱۳۷۱)، رساله دکتری: تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان، دانشکده تربیت مدرس.
- ۱۹- صالحی، سیدرضا (۱۳۸۵)، مدیریت منازعات قومی در ایران، مجمع تشخیص مصلحت.
- ۲۰- صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه امام حسین^(ع).
- ۲۱- عزتی (۱۳۷۰)، جغرافیای نظامی ایران، انتشارات دانشگاه امام حسین^(ع).
- ۲۲- علیجانی، بهلول (۱۳۷۳)، مبانی آب و هواشناسی، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- ۲۳- نصیری مشکینی، قدیر (۱۳۷۸)، جمعیت و امنیت، فصلنامه راهبردی شماره‌ی ۵ و ۶.
- ۲۴- محرابی، غلامرضا (۱۳۷۵)، بررسی نقش عوامل جغرافیایی در تحولات سیاسی و ژئوپلیتیکی استان سیستان و بلوچستان با تأکید بر جمعیت.
- ۲۵- مختارزاده (۱۳۸۳)، ابعاد امنیتی قومیت در ایران، نشریه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، شماره‌ی ۹.
- ۲۶- مهدوی، مسعود (۱۳۷۳)، اصول و مبانی جغرافیای جمعیت، ترجمه نشر قومس.
- ۲۷- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه: میرحیدر و صفوی، تهران، انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- ۲۸- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، تحولات قومی در ایران علل و زمینه‌ها، انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.